

نویسد

(فوق العاده)

(وابسته به حزب توده ایران) سال سوم، شماره ۳۹ و شنبه ۴ مرداد ۱۳۵۷

دست‌های جنایتکار ساواک در پس توطئه خونین آبادان

در خاکستر و زغال جسد ۲۷۷ قربانی بی‌گناه سینماگران آبادان
نقطه اندکی موشکافی در چگونگی حادثه دلخراش آبادان، نقش بنیاد ساواک را در طرح و اجرای این قتل عام فجیع و ضد انسانی عیان می‌سازد. در حالی که چند صد زن و مرد کودک در سالن سینما به تماشای فیلم سرگرم بوده اند، درهای سینما از پشت قفل می‌شود تا پس از نازل شدن بلا، هیچ راه گریزی برای تماشاگران بی‌گناه باقی نماند. اگر سینما رکن در شب شنبه گذشته یک فیلم بدآموز و بیسک نوار سکسی محصول فرهنگ منحط غرب را نمایش می‌داد، شاید با چند تن سریش اتهام حریق رامی‌شده به مشتی متعصب کوه بهیمن و آتشی رهیبست نسبت داد. و تازه همین یک مشت متعصب افراطی ضربتی نیز که بی‌شک عقیده متعصب آلود و پر نیروی و محرک ایمن حادثه باید می‌بود، به خاطر طغیان و تمصب خویش هیچ ضرورتی برای بستن در سینما و محکوم کردن صد هازن و مرد و کودک به سرگسی فجیع نمی‌یافت. اما در شب حادثه نه یک فیلم فساد انگیز، بل یک فیلم اجتماعی مترقی نمایش داده می‌شد، فیلمی که خود به نحوی ادعای تازمانه ای علیه این رژیم صهیونیستی و سرکشی به شکجه گاه و سحرگاهان ایدام است. در حالی که بنابه گفته بلندگو بیان رژیم که به واسطه شتابی که برای سرهم بندی شرح واقعه داشته اند، دم خروشان شست انبوه تبلیغات کاذبشان نمایان مانده، سینما را از چهار سو به آتش کشیده اند تا قربانیان بی‌گناه را کاملاً در محاصره آتش قرار دهند و این به وضوح نشان می‌دهد که هدف نه فقط سینما بلکه در اصل مردم بوده اند.

نخستین سؤالی که در ذهن همه رنگ می‌گردد، این است که از سوزن و خاکستر شدن صد تماشاگر بی‌گناه سینما که به صدی آشکار این سرنوشته به آنها تحمیل شده، چه کسی سود می‌برد؟ مبارزان و مخالفان رژیم؟

این پرسش صفره تر می‌ماند تراژدی است که حتی نیازی به طرح آن باشد. مبارزانی که برای آزادی و سعادت مردم جان خود را فدای می‌کنند، چگونه ممکن است خود در رژیم آنها شو ند (جلاد خلق‌های ایران را همه می‌شناسند. تنها اوست که در اوضاع و احوال امروز که پیش از هروقت دیگر منزوی و ورشکسته و لیزان شده، به چنین جنایتی که بتواند هم خمیرما به تبلیغات و سیم می‌شود و هم به زمام آزادی خواهان را بد نام سازد، خود را نیازمند می‌بیند. فقط اوست که می‌تواند به ساقفه طبعیت خود در نهایت خونریزی و خود سوری حکم مرگ صد هابی‌گناه را صادر کند به مرحله جرابنگد آرد.

اما شاه از توطئه خونین آبادان چه نیت و هدف مشخص دارد؟ پاسخ این پرسش در دیدن آخرین نقایب است که تبه کارترین رژیم معاصر جهان با پرده های دروغ و جنایت و شکنجه و هواخریسی و ریاکاری به چهره زده است.

فاجعه آبادان در دست در شرایطی رخ داده است که طرح یک توطئه جهانی علیه جنبش آزاد بخواهانه و ضد امپریالیستی خلق های ایران مرحله به مرحله در شرف تکوین است. اکثر خبرگزاری‌ها و

فاجعه تکان دهنده و موجش سینماگران آبادان که با ۷۷ قربانی بی‌گناه رنگین شده، پرده ای از نمایشنامه جنایت آمیزی است که رژیم شاه - ساواک آن را کارگردانی می‌کند. این توطئه ابله‌سی که با حمله جفاک داران و قداره بند های حکومتی به دانشگاه ها، به اجتماع مخالفان استادان، به کوهنوردان جوان، آغاز شد، با بمب گذاشتن و آتش افروزی در خانه مبارزان راه آزادی و شخصیت های ملی کشور م گرفت، به امان زدن و شرکت فعال در ویرانگری و شکستن و غرد کردن خانه ها و مغازه ها و دانشگاه ها و تأسیسات فرهنگی و خصوصی به اوج رسید و اینکه کیفیت ترین چهره خود را در فرقه ای از خون و مرگ و فساد در آبادان نشان می‌دهد. تمامی دلایل و گزارش هایی که تا این لحظه در دسترس ماست، از حضور مستقیم ساواک و دست های دسیسه گر و نامریی دربار در این قتل عام بی‌شرمانه حکایت می‌کند. درست است ؟ ساخت پس از همدان و شاه را در بر این که "من از تمدن بزرگ باشنا می‌گویم، در حالی که مخالفان "وحشت بزرگ" راه می‌سازند می‌دهند" وحشت بزرگی که شاه می‌گوید کرده بوده، بر مردم آبادان نازل شد و انکاسی شوم آن بر سر اسر کشور سایه افکند و ملافاصله پس از ایمن بهسگری بی‌آمیخت به ربا و تحلیق خصیبت باران، تمامی دستگاه های تبلیغاتی رژیم با برنامه ای تقریباً یکسان، کلمات و سیاقی نظیر هم، آوار فاجعه جنایت بار آبادان را بر سر آزاد بخواهان و مبارزان آغشته و سلطنت مطلقه خراب کرد تا هاضک تساح و آه وزاری متظا هراته، شو راسوگوار این بله نشان دادند. در همان حال که استاند ارفاه در غو زمستان ود پگر مقامات محلی رسماً اعلام کردند که هنوز طست آتش سوزی سینما رکن معلوم نشده و تحقیق در این باره ادامه دارد. دولت باد ستگاه های رسمی و نیت رسمی خبری خود گستاخانه اعلام کرد که حامل حریق و خرابکاران و مخالفان هستند. چه دنبال این حکم که بدون ارائه هیچ برگی و مدرکی عرضه شد، مقاله ها و گفتار های دستوری بر آب و تاب در روزنامه ها و رادیو و تلویزیون ها پسا و ده گو بی راز آغاز کردند که "ملت متعصب، بد اندید و آگاه باخشد که بدون رژیم سر نیزه، جان و مال شما ایمن نیست. ما می‌خواهیم فضای سیاسی سلطنت را باز کنیم، اما "آنها" می‌خواهند شما به قسری و اصرار کهن برگردد. بد و از همه ظاهراً می‌خواهد تند ن چید بد چشم ببوشید." اما این خیمه شب بازی هاد پگر رسماً ترشناخته تراژدی است که حتی ساده لوح ترین مردم را بفریاد. کجاست که نداند جنایتی با آنهاست و وحشتناک فاجعه آبادان تنها از دست دشمنانی ساخته است که طی چند ماه گذشته هزاران زن و مرد و کودک و جوان را در اصفهان و شیراز و مشهد و تبریز و قم و تهران و غرم آباد و شهرها و روستا و ده ها شهر روستای دیگر به رگبار مسلسل بستند یا در زیر زنجیر تانک ها به خاک و خون کشیدند ؟ کجاست که این کلمات صهیونیه و صهیونیزم را به توجه امپریالیسم را فراموش کرده باشد که : "اگر لازم ببینیم، سلطنت را نابود می‌کنیم تا به دست دشمن نیفتد. " آنها" جز کموری سوخته از ما دریافت نخواهند کرد. ؟ و حالا این پیام شیطان دارد تعمیر می‌شود، در خون صهیون پرستان تبریز و قم و مشهد و شیراز و اصفهان،

پیروز یاد مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد سلطنتی محمد رضا شاه

دعوت از همه سازمان های دموکراتیک و آزاد میخواه

برای افشای جنایت ضد بشری و هول انگیزی که دستهای رژیم تبهکار شاه در پس آن عیان است، برای روشن شدن واقعیت فاجعه آبادان که ماجرای حریق راشاتک و توطئه فاشیست های هیتلری را با همه جزئیات آن تکرار کرده است، ما از تمام نیروهای ملی و دموکراتیک ایران و از تمام سازمان ها و شخصیت های آزاد میخواه و بشر دوست جهان و از همه مدافعان واقعی حقوق انسانی دعوت می کنیم نمایندگان خود را برای تحقیق در پیرامون این جنایت بی سابقه و شرم آور رژیم شاه ساواک به ایران بفرستند. این موثرترین راهی است که توطئه دامندار رژیم جنایتکاران حرفه ای را در نیمه راه متوقف میکند و دست جلاد واقعی خلق های غیور و ستم دیده ایران را در برابر جهانیان میگشاید

دست آوردن به هیچ جنایتی رویگردان نیست. و حالا مردی که برای سرنگون کردن بساط تنگن استبداد و تاراج، با شور و دلیری انسانه ای به پیشواز تانک ها و تانک های روسیه می رود، به یک باره بگرایسن هیولای تاجدار راه شدت در خوف و ترس فرو برده اند. عکس العمل طبیعی رژیم دست نشانده شاه، توطئه ضد ملی جدیدی است که صحنه سازی های ساواک و در قله آن فاجعه سینماگر آبادان باید راه آن را هموار سازد. متأسفانه پاره ای چپ روی ها، رخنه عناصر ماجراجو و انارشویست به درون جنبش و تحریکات صهی که جلوه های گوناگون آن در برتانه وسیع شیشه شکستن ها و حمله به ساختمان ها و اماکن موسوم و مخصوص و آماج های فرمی و کم اهمیت تر نظام استبدادی آشکار شده است و صهیان بی تاب، تب آلود اقلاری از خرده بورژوازی افراطی در آن به وضوح مشهود است، زمینه ای برای سوء استفاده رژیم جنایتکار و حادثه آفرین های آن و جازدن توطئه های سفید خود به نام شوریدگان نهضت فراهم آورده است. رژیم شاه که پیش از هروقت دیگر خود را در تنگنا می بیند و از ضربات پهلای جنبش خلق و ضد دیکتاتوری به خود می پیچد با تمام جبهه و نیروی خود در صدد است تا این سیل پنهان کن را که در آن جنبش آزادی می خیزد، به سوی آماج های فرمی و گاه به گسلی نادرست و محرف کند. قصصی از نیروی آن را در حمله و هجوم به هدف های که مترجمه سیاسی و حیاتی دارد، به هیز بسرد، هدف های فرمی بی اهمیت و حتی خطرناک جای هدف های آرمانی جنبش در برابر توده های به حرکت در آمده و سرشار از خشم و خروش بگذارد، ویرانگری کند، بخش های کم آگاه تر مردم را دچار دغدغه و بیم نماید، افکار عمومی ایران و جهان را که با افشای جنایت و دسایس سالها دراز حکومت اختناق، طبله او برانگیخته شده اند، برای توجیه خود مستعد سازد، مبارزان انقلابی را که بنیاد های استبداد سلطنتی را نشانه گرفته اند، شورش و بلوا آفرین خرابکار معرفی کند و حقانیت آن هارالوت ساز و آنگاه قیافه است که جانب به خود بگیرد و زمینه را برای سرکوب کل جنبش فراهم آورد.

ناهمواره گشته ایم و تأکید کرده ایم سازمان قاطعی که از سون تجربه های انقلابی بسیار خلق ها و زحمتکاران پیگار کرد آن نهفته است تکرار می کنیم که شیشه شکستن و سنگ انداختن های بی هدف و آتش افروزی های غیر اصولی گرچه خود محصول طبیعی شرایط خشونت و اختناق است، اما به هیچ وجه مبارزه سیاسی نیست. این کجروی ها و سهل انگاری ها که بوی خرده بورژوازی صهیان کرده و مجول گام از آن به شام می رسد، تشابه استبداد وحشی و خود نریز مجال سوء استفاده و دغفکاری می دهد. تبلیغات دامنه دار و زلت آمیزی که رژیم در پیرامون دست بخت فاجعه آمیز خود در آبادان به راه انداخته، صحت و استحکام این حکم را ثابت میکند. هشیار باشیم. افشا کنیم. توطئه قسوت آمیز ساواک را بسا همه نیروها و مکان خود در برابر مردم و جهانیان بر ملا سازیم. برای پیش گیری و آمادگی در رهرو شدن با هر دو سیمه بد خواهانه و تهاجم جدید متحد شویم. این تشابه خیره ما در پیکار طبیعی است که خلق های ایران با نثار خون خود آن راه اوج تازه ای رسانده اند. هر اختلاف سلیقه ها، به خرده گیری ها و نهاد های جزئی که بر میدان تهر باشکو، خلق های ما با خصم زیرک و ذل سایه انداخته نایق آئیم دشمن بزرگی که در میان ماست، جدا می ماست. زنگ خطری که با توطئه تبه کارانه ساواک در آبادان به طنین افتاده، این همبستگی را پیش از هروقت دیگر تصریح می کند.

ها و مطبوعات دنیای امپریالیستی صهیانی که از جنبش اوج گیرنده ملی و دموکراتیک و مدافع خواه مردم ایران در انتظار جهانیان تصویر می کنند، صهیان تیره، مسخ شده و کزاهت انگیز است. آن ها بسا وقاحت جورانه ای که خاص جهانگواران و تاراجگران خون وهستی ملل عقب نگه داشته شده است، می خواهند این طور و انصود کنند که گویا هدف ها و آرمان های مجاهدان ضد استبدادی در بختن سینماها و رستوران ها هرگز اندن زنان به زیر چادر و چاقچور و رهنند و محو مظاهر تمدن جدید خلاص می شود. آن ها شکستن شیشه های سینماها، سنگ انداختن به سوی بانک ها و حمله به کورسک تلفن موسوم را که البته اقدامی است صهیانگرانه و زبان بسیار برای مبارزات مردم، با شرح و صحت و شاخ برگ بسیار به غنوسورد خوانندگان خود می دهند و از قیام کنندگان ضد اختناق و آزاد خواهان یک مشت صهیان هرج و مرج طلب که از سر صبری به جنگ نظم و قانون رفته اند، ترس می کنند و چنین می نایند که این طغیان کنندگان مهیوت نه تنها به مظاهر تمدن غرب خشم و کین می ورزند، بلکه دشمن خوئی همه فرمی ها هستند و خون چشم آبی های آن سویدریا ها را میاج می دانند. در کنار این صور رنگ ارتعاشی که بسرای پوشاندن قیافه رزم و آرمان های حقه مردم به غرور آند، ایران ساخته و پرداخته می شود، رژیم لیزان شاه که از شکوه و تلاش مبارزه جو پانته اوج گیرنده مردم به وحشت افتاده، برای بلندگو صهی امپریالیستی و ماشین های تبلیغاتی خود خوراک می برد و با صحنه سازی و شمه گیری و نمایشات زرد پلانه می کشد تا از یک سو مردم را از کمترش و تلاطم جنبش بیمناک سازد و از دیگر سو خواست ها و آرزو های واقعی مبارزان را پوشیده دارد و صدای آن هارادر طنین شیشه های شکسته و هیاهوی آتش سوزی ها و هجوم به ساختمان ها و دیگر اقدامات نیمه انارشویستی کم آگاه ترین بخش های جنبش عمومی خلق، هم کند.

بد پنهان زمینه های لازم برای توجیه ادامه حکومت سرنهیزه و زندان و شکنجه و حتی فراتر از این، برای یک پورش خشن و آتیمیز وسیع به مردم بها خاسته و رهبران و شخصیت های آزاد پیخواه و خونریز های وسیع تر، به گریز و پند های بی رویه تر و تضییع و فشار و شکنجه های وحشیانه تر آماده می شود. فاجعه دلخراش آبادان در متن این دورنا به صورت یک ناقصی خطر در می آید که باید طنینش شوم آن همه مبارزان و فعالین جنبش ضد دیکتاتوری و توده های وسیع مردم به خروش آمده را آگاهانه صهیانی رهرو شدن با هر دو توطئه و پورش ناگهانی کند. ادامه وضع کنونی که مترادف رشد جنبش ضد استبدادی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلق های ایران و خیزش امواج آگاهی سیاسی توده ها و پرورد روز افزون و دوار انگیز اقتصاد و گروه های تازه به میدان پیگار است، بر رژیم از رگ و ریشه فاسد و وابسته شاه، ساواک و راهبان بانکی آن ها تحمل پذیر نیست.

ادامه این وضع که مارش باشکوه بیرون تارای ایران - این بی گون تر استن و قاطع ترین و اصولی ترین دموکرات ضد سلطنت مطلقه - هر روز به آن چهره ای میاجم تر و انقلابی تر می دهد، طبقات استثمارگر راه سختی دچار وحشت ساخته - و این همان واقعیتی است که شاه ضد مردم در صحنه اخیر خود با غیرتگاران داخلی به آن اشاره کرد: " بعضی ها که نگران شده اند، می گویند ما به کجا می رویم؟ " شاه تلویحاً اخطار کرد که تعمیق جنبش را پیش از این تحمل نمی کند و از تمام وسایل و امکاناتی که در دست دارد برای درهم شکستن آن استفاده خواهد کرد. او در گذشته بارها صهارتات کرده که وقتی جنبش خلق پایه های تخت براد بار سلطنت او را به لرزه در می آورد، از